

( 180 )

لندن - امة الله اليزابت هریک علیها بهاء الله الابهی

هو الله

ای دختر ملکوت نامه‌ات رسید و از مضمون معلوم گردید که فکر ترا حصر در اقتباس انوار از ملکوت اسرار نموده بودی تا فکر انسان متفرق است ابدًا نتیجه‌ئی نبخشد ولی اگر در یک نقطه فکر جمع شود نتایج عظیمه بخشد مانند آفتاب که در مرآت مسطح تأثیر تام ندارد ولی چون در مرآت مقعر یا در مرآت محدب تجلی نماید جمیع حرارت در نقطه‌ئی جمع شود و آن نقطه از آتش حرقتش بیشتر است پس باید فکر را در نقطه‌ئی جمع کرد تا قوه نافذ گردد خواسته بودی که در روز رضوان محفلی بیارائی و بزم و جشنی فراهم آری و نفوسیکه در آن روز در آن محفل اجتماع نمایند بنهایت سرور و حبور بتلاوت الواح پردازند و از من نامه‌ئی خواستی که در آن روز بخوانی آن نامه در ذیل است ای یاران و اماء رحمن امروز روزیست که شمس حقیقت از افق وجود اشراق نموده فجرش ساطع و شعاعش لامع بقوتیکه ابرهای متراکمه متلاشی شد و در نهایت اشراق از افق عالم طالع و لائح گشت اینست که در کائنات اهتزاز جدیدی مشاهده مینمائید ملاحظه کنید که دایره علوم و فنون در اینعصر چه قدر اتساع یافته و صنایع و بدایع عجیبه چگونه جلوه نموده و قوای فکریه چگونه ترقی کرده و اختراعات عظیمه چگونه بظهور آمده اینعصر حکم صد عصر دارد یعنی اگر آثار صد عصر را جمع نمائی و آثار این عصر را نیز جمع نمائی آثار این یک عصر تفوق بر آثار صد عصر دارد مثلاً جمیع کتبی که در اعصار ماضیه تألیف شده جمع نمائی و کتب و رسائلی که در اینعصر تألیف شده آنرا نیز جمع نمائی کتب مؤلفه در اینعصر اضعاف مضاعف کتبی است که در اعصار ماضیه تألیف شده است

ملاحظه نمائید که اشراق نیر آفاق چه تأثیر در حقایق موجودات نموده ولکن هزار افسوس که چشمها نابینا و گوشها ناشنوا و عقول و قلوب غافل از این موهبت کبری پس بجان و دل بکوشید تا خفتگان بیدار شوند و کوران بینا گردند و مردگان زنده شوند و علیکم و علیکن البهاء الابهی

۲۶ تموز ۱۹۱۹

(عبدالبهاء عباس)